



Interdisciplinary Comparative Study (Interparadigmatic Interpretation) of the Qur'an and the Testaments; Concepts, Types and Examples

Ghasem Darzi¹

Received:17/01/2022

Accepted:06/09/2022

Doi: 10.22051/TQH.2022.39194.3501

Dor: 20.1001.1.20082681.1402.20.1.2.0

Abstract

Comparative studies are one of the common methods in Qur'anic studies. Although it is usually enough to compare the differences and similarities of the parties in this kind of studies, it is necessary to achieve a certain added value for the parties beyond this comparison. An interdisciplinary approach to comparative studies, by turning to complex and multi-generational subjects and using the mechanism of integration and creating a dialogue between the parties, fill this knowledge gap and resolves the issues. Therefore, interdisciplinary comparative study (dialogue) or interdisciplinary interpretation of the Qur'an seeks to approach the Qur'an from the perspective of two distinct disciplines/paradigms, here the paradigms of Christianity and Islam are in mind. Such a study leads to our comprehensive understanding with respect to different disciplines and paradigms, which has two basic types: methodological and theoretical interdisciplinary. In the former, there is a one-way relation in the comparative study and only one side benefits from the outcome of this study. It will clarify or solve a problem available in the Qur'an or Testaments. Rather, in the latter, a two-way relation is established between the Qur'an and the Testaments. This comparative study will have an explanatory or problem-solving role on both sides. These species are considered as the most complete species in comparative studies. Addressing concepts such as "after the Remembrance" (min ba'd al-dhikr) and "Jesus" in the Qur'an can illustrate the process and mechanism of such comparative studies. Based on the approach of the Qur'an to "Jesus," one can well see the conflicts between the two paradigms and the quality of the different interpretations of the disciplines to overcome these challenges. The most important of these challenges are: "The Crucifixion and Death of Jesus," "The Divinity of Jesus," "Distortion of the Covenants," "The Controversy of the Qur'an with Christianity." In order to create a common dialogue and language, it was necessary for the disciplines to abandon the common views and popular interpretations and take a stylized approach. This form of interpretation represents a universal interpretation of religions.

Keywords: *Comparative Study, Interdisciplinary, Dialectical Exegesis, Transdisciplinary, Interdisciplinary process, Solving Challenges, Comparative Understanding*

¹ - Assistant Professor of Quranic Interdisciplinary Studies Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran; gh_darzi@sbu.ac.ir

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال بیستم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲، پیاپی ۵۷

مقاله علمی-پژوهشی، صص ۴۴-۲۵

مطالعه تطبیقی میان رشته‌ای (تفسیر بینا پارادایمی) قرآن و عهدین؛ مفاهیم، گونه‌ها و

نمونه‌ها

قاسم درزی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

Doi: 10.22051/TQH.2022.39194.3501

DOR: 20.1001.1.20082681.1402.20.1.2.0

چکیده

مطالعات تطبیقی یکی از روش‌های رایج در مطالعات قرآنی محسوب می‌شود. گرچه معمولاً در این دست از مطالعات به مقایسه صرف تمایزها و مشابهت‌های طرفین کفایت می‌شود، اما ضروری است که در ورای این مقایسه ارزش افزوده مشخصی نیز برای طرفین حاصل شود. رویکرد میان رشته‌ای به مطالعات تطبیقی با روی آوردن به سوژه‌های پیچیده و چندتباری و به کارگیری مکانیسم تلفیق و ایجاد گفتگو میان طرفین این خلأ معرفتی را تکمیل و مسائل را مرتفع می‌نماید. بنابراین مطالعه تطبیقی میان رشته‌ای (گفتگویی) یا تفسیر بینا پارادایمی قرآن ناظر است به روی آوردن به قرآن از منظر دو رشته/پارادایم متمایز که در اینجا پارادایم مسیحیت و اسلام مورد نظر هستند. چنین مطالعه‌ای به ادراک جامع‌المنظر ما با توجه به رشته‌ها و پارادایم‌های مختلف منجر می‌شود. چنین مطالعه‌ای دارای دو گونه اساسی است: میان‌رشته‌ای روش‌شناختی (ترارشته‌ای) و میان رشته‌ای نظری. در گونه اول رابطه‌ای یکسویه در مطالعه تطبیقی وجود دارد و از ره آورد این مطالعه صرفاً یکی از طرفین بهره‌مند می‌شوند و به تبیین یا حل مسأله‌ای که در قرآن یا عهدین وجود دارد منجر خواهد شد. اما در گونه دوم، رابطه‌ای دوسویه میان قرآن و عهدین برقرار می‌شود و این مطالعه تطبیقی نقش تبیینی و یا حل مسأله در هر دو طرف خواهد داشت. این گونه از مطالعه تطبیقی در زمره متکامل‌ترین گونه‌ها در این دست از مطالعات محسوب می‌شود. پرداختن به مفاهیمی هم‌چون «من بعد الذکر» و «عیسی» در قرآن می‌تواند فرآیند و مکانیسم این گونه از مطالعات تطبیقی را به نمایش بگذارد. مرتبط با ره‌آورد این پژوهش‌گران به «عیسی در قرآن» می‌توان به خوبی تعارضات میان دو پارادایم و کیفیت تفسیر متفاوت طرفین برای غلبه بر این چالش‌ها را مشاهده کرد. اهم این چالش‌ها عبارتند از: «تصلیب و مرگ عیسی»، «الوهیت عیسی»، «تحریف عهدین»، «نزاع قرآن با مسیحیت». برای ایجاد گفت و گو و زبان مشترک لازم بود که طرفین از نگاه‌های رایج و تفاسیر مشهور دست بردارند و رویکرد تلطیف شده را در پیش بگیرند. این شکل از تفسیر، تفسیری تعمیم‌یافته و جهان‌شمول از ادیان را به نمایش می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: مطالعه تطبیقی؛ میان رشته‌ای؛ تفسیر گفتگویی؛ ترارشته‌ای؛ فرآیند میان رشته‌ای؛ رفع چالش‌ها؛ ادراک جامع.

^۱ - استادیار پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ gh_darzi@sbu.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسأله

مطالعات تطبیقی در زمره کهن‌ترین روش‌ها در مطالعات دینی و قرآنی محسوب می‌شود. در مقابل، مطالعات میان‌رشته‌ای به دوره مدرن اختصاص داشته و بسیار نو به شمار می‌آید. مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای از این حیث که در هر دوی آن‌ها با سوژه‌های چندتباری و چندوجهی و ارتباط آنها با هم‌دیگر روبرو هستیم شباهت دارند. آنچه که این دو را با هم متمایز می‌کند به نوع و کیفیت برقراری ارتباط میان طرفین مطالعه است. در مطالعات میان‌رشته‌ای برقراری پیوند و گفتگو میان طرفین حائز اهمیت است، حال آنکه در مطالعات تطبیقی این موضوع محوریتی ندارد. بنابراین سؤال اصلی که در این پژوهش به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که نسبت میان مطالعات تطبیقی و مطالعات میان‌رشته‌ای چیست؟ و چگونه می‌توانیم شاهد پیوند این دو گونه و تحقق مطالعات تطبیقی میان‌رشته‌ای باشیم؟

لذا این پژوهش بر آن است تا مطالعات تطبیقی میان‌رشته‌ای را به عنوان گونه‌ای جدید و کمتر پرداخته شده در مطالعات تطبیقی، تبیین نماید. اینگونه از مطالعات تطبیقی بر گفتگو و تعامل دو سویه طرفین تطبیق مبتنی است و در زمره متکامل‌ترین گونه‌های مطالعات تطبیقی به حساب می‌آید. تاکنون آثار تطبیقی معدودی در حوزه قرآن و عهدین با چنین رویکردی نوشته شده است. این در حالی است که دست‌آوردهای این شکل از مطالعات تطبیقی از جهات مختلفی قابل تعمیم‌تر و جهان‌شمول‌تر هستند. هم‌چنین این گونه از مطالعات تطبیقی به رویکرد کلی قرآن کریم که به هم‌راستا بودن کتب مقدس انبیاء مبتنی است و مضامین مشترک این کتاب‌ها را مورد توجه دارد نزدیک‌تر است و می‌خواهد از ره‌گذر ایجاد گفتگو میان مسلمانان و اهل کتاب، و رفع چالش‌های موجود، به مضامین متفق علیه و مشترک دست یابد. بنابراین در سراسر مقاله تلاش خواهد شد تا ابتدا با رجوع به اصلی‌ترین منابع مرتبط با مطالعات تطبیقی، ضرورت این شکل از مطالعات را بیان و ابعاد میان‌رشته‌ای چنین مطالعاتی نشان داده شود. در ادامه و بعد از نشان دادن ابعاد میان‌رشته‌ای و گفتگویی مطالعات عهدین و قرآن را در دیدگاه صاحب‌نظران این حوزه، تعریف دقیقی از این گونه شده و با ارائه دو نمونه مشخص از آن، مکانیسم آن تبیین می‌گردد. در ادامه با پرداختن به دو نمونه از تحقیقات موجود در این زمینه؛ یعنی «من بعد الذکر» و «عیسی در قرآن» نشان داده می‌شود که مکانیسم این دست از مطالعات چگونه است. رویکرد روش‌شناسانه از این جهت و با محوریت این نمونه‌ها می‌تواند میزان موفقیت گفتگوی بین‌الادیانی در مطالعات تطبیقی میان‌رشته‌ای را نشان دهد. هم‌چنین ما را قادر می‌سازد نقاط قوت و ضعف چنین رویکردی را بیش از گذشته دریابیم و از آن به عنوان روشی بسیار مناسب در مطالعات تطبیقی قرآن و عهدین بهره ببریم.

۲. مطالعات تطبیقی قرآن و عهدین

مطالعه تطبیقی یکی از بنیادین‌ترین روش‌های پژوهش محسوب می‌شود. اسمیت (۱۹۷۸م.) در این

زمینه می‌گوید:

«فرایند مقایسه یک مشخصه اساسی هوش انسانی است. خواه این مقایسه در گروه بندی منطقی دسته‌ها، در تشبیه‌های شاعرانه، در بازنمایی‌ها از واقعیت‌های خارجی یا سایر فعالیت‌های مشابه صورت پذیرفته باشد. در تمامی حالات، مقایسه، گرد هم آوردن دو یا چند شیء به منظور توجه به شباهت‌ها یا تمایزها است که زیر بنای همه جنبه اندیشه بشری نیز به حساب می‌آید و بدون آن، ما نمی‌توانیم صحبت کنیم، درک کنیم، یاد بگیریم یا استدلال کنیم (Freiberger, 2019:p 21).

این توضیح به خوبی نشان می‌دهد که روش مقایسه‌ای برای تبیین پدیدارها و راه‌کاری رایج و مناسب برای ارتقای توانمندی‌های شناختی محسوب می‌شود. از این طریق درک می‌کنیم، یاد می‌گیریم و استدلال می‌کنیم. این روش مبتنی بر مقایسه شباهت‌ها و توجه به تمایزها به پیش می‌رود. جفری کارتر ضمن ارائه تعریفی خوب از این روش، مقایسه توصیفی را زیربنای تمام توصیفات دانشگاهی در نظر گرفته است:

«به طور خلاصه مقایسه توصیفی عبارت است از تشخیص ویژگی خاص یک پدیده با مقایسه آن با ویژگی‌های محیط (به طور کلی) و جنبه‌هایی از مقوله‌های معرفت شناختی توصیف کننده (آنچه قبلاً شناخته شده است). این تکنیک اساسی زیر بنای همه توصیفات دانشگاهی است» (Ibid, p21).

تعریف کارتر به خوبی اهمیت مطالعات تطبیقی را در زندگی و همچنین پژوهش آکادمیک نشان می‌دهد. با این وجود کمتر در تحقیقات آکادمیک بخصوص مطالعات اسلامی/قرآنی با مطالعات تطبیقی آن‌هم به شکل روش‌مند روبرو بوده‌ایم. آنچه که از مطالعات تطبیقی میان قرآن و عهدین شاهد آن بوده‌ایم نیز کمتر به ابعاد میان‌رشته‌ای و تنوع روش‌شناختی در این دست از مطالعات توجه داشته‌اند.

تالمون در «روش تطبیقی تفسیر عهدینی: اصول و مسائل» به این نکته تأکید می‌کند که پژوهش تطبیقی در فرهنگ‌های باستانی و بخصوص ادبیات عهد عتیق نیازمند در نظر داشتن مجموعه متنوعی از دانش‌ها است که چنین مطالعاتی را نیازمند رویکرد میان‌رشته‌ای می‌کند. او سپس دانش‌های زیر را در زمره اصلی‌ترین این دانش‌ها در نظر می‌گیرد: فلسفه، ادبیات، فرهنگ عامه، الهیات، جامعه‌شناسی، تاریخ و تاریخ‌نگاره‌ها. (ص ۳۵۶-۳۵۷). واضح است که تالمون به هیچ روی بنا نداشته که این دانش‌ها را به عنوان تنها دانش‌های دخیل در مطالعات تطبیقی در نظر بگیرد و او صرفاً بنا داشته اصلی‌ترین این دانش‌ها را، به زعم خود، مورد نظر و توجه قرار دهد. مراجعه به برخی از برجسته‌ترین آثاری که در حوزه مطالعات تطبیقی قرآن و عهدین سامان یافته‌اند نیز بخوبی به رویکردهای تقلیل‌گرایانه در مطالعات تطبیقی قرآن و عهدینی توجه داده و ضرورت رویکرد جامع‌نگر در این دست از مطالعات را نشان داده‌است:

استوارت (۲۰۲۱م.) در این ارتباط تأکید می‌کند که با وجود تحقیقات فراوانی که تاکنون در غرب صورت پذیرفته است اما حوزه وسیعی از دانش‌ها مورد توجه قرار نگرفته و نگاهی تقلیل‌گرایانه در مطالعات

غربی وجود داشته است. او به شکل خاص عدم توجه به مباحث مرتبط با ادبیات و بلاغت را به عنوان کاستی موجود در این دست از مطالعات معرفی می‌کند. نوییورث (۲۰۱۹م.) از این رویکرد تقلیل‌گرایانه در مطالعات غربی اینگونه تعبیر می‌کند که:

«در حال حاضر مطالعات تاریخی در غرب تنها با یک شش نفس می‌کشد و شش دوم، عربیت و شاعرانگی قرآن، هنوز مورد استفاده قرار نگرفته است» (p.37).

آنچه که نوییورث از آن به مطالعات تاریخی یاد می‌کند، بدون تردید در بر گیرنده مطالعات گسترده غربی است که در قالب مقایسه قرآن با متون سامی اعم از متونی که به زبان‌های عبری، سریانی و ... تدوین شده است. در حقیقت نوییورث بر این نکته مهم تأکید کرده است که عموماً مطالعات قرآنی در غرب بدون توجه به وجوه و تبارهای مختلف در قرآن پژوهی بوده است و صرفاً نگاه تاریخی بر آن غلبه داشته است. باید توجه داشت که این تقلیل‌گرایی و نبود جامع‌نگری همچون توضیحات قبلی ممکن است به خاطر عدم توجه به دیگر دانش‌ها از قبیل ادبیات عرب و ... باشد. هم‌چنین ممکن است به دلیل نبود نگاهی دوسویه به تمامی ابعاد قرآن و عهدین و ظرفیت‌های متمایز طرفین در حل مسائل باشد. نبود چنین جامع‌نگری‌ای سبب می‌شود نتایج همراه با سوگیری فراوان و نبود ادراک متقابل باشد. در این ارتباط، نوییورث در جایی دیگر (۲۰۱۶م.) بر ابعاد چندوجهی و جامع‌نگرانه در مطالعات تطبیقی قرآن و عهدین تأکید می‌کند. از نگاه او قرآن می‌تواند در راستا و امتداد عهدین در نظر گرفته شود و ابعاد جدیدی از معنا را برای ما بازنمایی نماید. گلدری (۲۰۱۸م.) در مطالعه موردی «عبور شتر از سوراخ سوزن» به شکل خاص به ارتباط و تعامل دوسویه قرآن و عهدین اشاره می‌نماید. گابریل رینولدز (۲۰۱۰م.) با صراحت کامل به گفتگوی قرآن و متون پیش از آن پرداخته و در این ارتباط می‌گوید:

«قرآن باید در پرتو گفتگوش با متون ادبی پیش از آن، بخصوص عهدین، گرامی داشته شود» (p2)

در مثال‌های اخیر، با معنای دیگری از جامع‌نگری در مطالعات تطبیقی قرآن و عهدین روبرو هستیم؛ در اینجا این جامع‌نگری در برقراری گفتگو و دیالوگ میان طرفین تطبیق آنهم مرتبط با سوژه‌هایی است که ابعاد و وجوه مختلفی دارند و چندتباری محسوب می‌شوند. در این نمونه‌ها سوژه هم با ظرفیت نگاه جامع و میان‌رشته‌ای تطبیق دارد و هم با قالب ایجاد «گفتگو» و «تلفیق» و یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی میان‌رشته‌ای قابل مشاهده است. این فرآیند گفتگویی اهمیت بسیار زیادی دارد و بر ابعاد میان‌رشته‌ای و چندوجهی مطالعات تطبیقی متمرکز است. این فرآیند از نگاه ما بر حل چالش‌های دوسویه‌ای متمرکز است که برای مفسرین عهدین و قرآن وجود دارد. حل چنین مسائل و چالش‌های دوسویه‌ای ما را با گفتگویی دو طرفه مواجه خواهد نمود. به نظر می‌رسد برای تبیین دقیق‌تر و منسجم‌تر رویکرد «گفتگویی» و میان‌رشته‌ای به این دست از مطالعات لازم است با جزئیات و تفصیل بیشتری به آن پرداخته شود:

۳. گونه‌های میان‌رشته‌ای در مطالعات تطبیقی قرآن و عهدین

نگاهی اجمالی به تعاریف روش‌شناسان از مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که این دست از مطالعات با اهداف مطالعات میان‌رشته‌ای و نتایج آن تناسب بسیار زیاد و نزدیکی دارند. قراملکی (۱۳۸۵ش.) در این ارتباط می‌گوید:

«اخذ روی آورد تطبیقی در برنامه پژوهشی نشان می‌دهد که چرا در حوزه معرفتی خاصی، به سؤال‌های متفاوت می‌رسیم و چرا در پاسخ به سؤال واحد، دیدگاه‌های متفاوت ارائه می‌شود؟ تامل در اختلاف‌ها و شباهت‌های امور و دیدگاه‌ها و تلاش برای تبیین آنها، اضلاع ناپیدای آن امور را مکشوف می‌سازد» (ص ۲۹۶)

در این تعریف چند عبارت کلیدی وجود دارد که ارتباط عمیق مطالعات تطبیقی با میان‌رشته‌گی را برقرار می‌سازد: به دست آوردن «دیدگاه‌های متفاوت» و در اصطلاح تخصصی آن، «ادراک جامع»^۱ به‌عنوان هدف اصلی و دست‌آورد نهایی میان‌رشته‌گی معرفی شده است. کلاین و نیوویل (۱۹۷۷م.) ضمن ارائه یک تعریف جامع و دقیق از میان‌رشته‌گی، غایت آنرا ایجاد و دستیابی به ادراک جامع در نظر گرفته‌اند:

«میان‌رشته‌گی عبارت است از: فرآیند پاسخ به سؤال، حل یک مسأله، یا مواجهه با یک موضوع که بسیار گسترده‌تر یا پیچیده‌تر از آن است که بتوان با یک رشته یا تخصص بدان پرداخت (این فرآیند از طریق استخراج بینش‌های رشته‌ای و تلفیق این بینش‌ها بوسیله ایجاد یک ادراک جامع‌تر صورت می‌پذیرد)» (ص ۳۹۳-۳۹۴).

همانطور که در این تعریف نیز مشخص است، تلفیق رشته‌ها و دیدگاه‌ها صرفاً ابزاری برای دستیابی به ادراک جامع است. رپکو و زوستاک (۲۰۱۷م.)، ص ۳۲ نیز بعد از توضیح و تبیین مراحل مختلف فرآیند میان‌رشته‌گی، دستیابی به ادراک جامع را به عنوان آخرین مرحله و دست‌آورد پژوهش میان‌رشته‌ای معرفی کرده‌اند. همانطور که در تعریف قراملکی از مطالعات تطبیقی دیدیم، هدف از تطبیق در مطالعات تطبیقی، دستیابی به دیدگاه‌های متفاوت به مسائل واحد و مشترک است. در حقیقت با این کار می‌توان «اضلاع ناپیدای» پدیدارها و مسائل را منکشف نمود. این بازنمایی و پدیدارسازی اضلاع ناپیدا نیز می‌تواند عبارت-پردازی دیگری از همان «دیدگاه‌های متفاوت» در نظر گرفته شود و تأکید مضاعفی بر اهمیت این کارکرد مطالعات تطبیقی. با توجه به تعریف رپکو و زوستاک می‌توان مؤلفه‌های اصلی دیگری را نیز برای میان‌رشته‌گی مشاهده نمود: پیچیدگی و ذووجه بودن سوژه به‌شکلی نتوان با یک رشته یا تخصص به آن پرداخته شود مؤلفه بسیار مهمی است که می‌تواند در مطالعات تطبیقی نیز مشاهده شود. یکی دیگر از عواملی که می‌تواند مطالعه تطبیقی را واجد ویژگی میان‌رشته‌گی نماید وجود همین عامل است. بنابراین مطالعات تطبیقی که به سوژه‌های چندتباری و چندوجهی می‌پردازد، میان‌رشته‌ای نیز محسوب می‌شود. البته همانطور که رپکو

¹ - Comprehensive understanding.

و زوستاک نیز تصریح کرده‌اند مطالعات میان‌رشته‌ای لزوماً میان رشته‌ها نخواهد بود و می‌تواند میان تخصص‌ها و یا پارادایم‌ها نیز مورد نظر قرار گیرد.

پاکتچی (۱۳۹۰ ش.) با وجودی که با تفصیل خوبی به مطالعات تطبیقی، بخصوص در مطالعات عهدینی، پرداخته است، اما از جهت نظری نمی‌توان برجستگی میان‌رشته‌ای را در این اثر او مشاهده کرد. اما همو (۱۳۹۶ ش.) در «رویکردی بین‌الادیانی به معنای "من بعد الذکر" در قرآن کریم» تبیین خوبی از رویکرد میان‌رشته‌ای و گفتگویی در مطالعات تطبیقی قرآن و عهدین دارد:

«در این تلاش، برخلاف غالب پژوهش‌های همسرخ، به‌جای بهره‌گیری از داده‌های حوزه عهدین برای تدقیقات قرآنی که عملکردی ترارشته‌ای (transdisciplinary) محسوب می‌شود، کوشش شده است تا نوعی گفتگو میان داده‌های دو حوزه علمی صورت گیرد و این داده‌ها برای رسیدن به نتیجه‌گیری‌ای مشترک هم‌گرا شوند. به‌تعبیر دیگر، پژوهشی میان‌رشته‌ای (interdisciplinary) در معنای اخص آن سامان یافته است» (ص ۲۲).

در این توضیح برای اولین بار شاهد آن هستیم که با جزئیات، رویکرد میان‌رشته‌ای به مطالعات تطبیقی قرآن و عهدین تبیین و تمایز دو اصطلاح ترارشته‌ای و میان‌رشته‌ای در چنین روی آوردی بیان شده است. اینک این دو گونه بسیار مهم و جزئیات آنرا به تفصیل بیان خواهیم:

۳-۱. مطالعه تطبیقی ترارشته‌ای در مطالعات عهدین و قرآن

ترارشته‌ای یا ترنس‌دیسپلینری بر رابطه یکسویه میان دو حوزه درگیر در مطالعات میان‌رشته‌ای دلالت دارد. بر این اساس در ترارشته‌ای صرفاً یکی از طرفین در حل مسأله و چالش در طرف دیگر را بعهد می‌گیرد. بنابراین در این گونه شاهد تلفیق طرفین و ایجاد گفتگو میان آنها در حل مسأله نخواهیم بود. برعکس، در میان‌رشته‌ای تطبیقی، چالش در هر دو طرف مقایسه وجود دارد و طرفین با رفع چالش‌ها و دستیابی به زبان مشترک، ادراکی جامع که تمامی مؤلفه‌های طرفینی را که در بردارد، کسب خواهد کرد. در این بخش، ترارشته‌ای تطبیقی و نمونه‌هایی از آنرا مشاهده خواهیم نمود. در قسمت بعدی نیز به میان‌رشته‌ای تطبیقی و نمونه‌هایی از آن ارائه خواهد شد.

همانطور که گفته شد، مطالعه تطبیقی ترارشته‌ای به رابطه یکسویه طرفین تطبیق دلالت دارد. در این گونه عموماً عهدین نقش تبیین‌گر مفاهیم چالش‌برانگیز در قرآن را بعهد دارد؛ اخیراً مطالعات متعددی نیز صورت گرفته که نقش تبیین‌گری قرآن در متون عهدینی را نشان می‌دهد^۱ (برای نمونه‌هایی نک: گریفیث، ۲۰۱۳ م.، ص ۲؛ گلدی، ۲۰۱۸ م.). به هر روی در رابطه یکسویه، یا از قرآن به منظور تبیین و حل مسائلی که در متون عهدینی داریم استفاده می‌نماییم و یا به عکس از متون عهدینی برای تبیین و

۱- از جناب محمد قندهاری بابت معرفی بحث «تبیین‌گری قرآن برای متون عهدینی» و چند منبع شاخص در این زمینه سپاس-گزارم.

حل برخی مسائل و مشکلاتی که در خوانش آیات قرآنی داریم بهره می‌بریم. برای روشن‌تر شدن این موضوع برای هر یک از این دو گونه در ترارشته‌ای نمونه‌ای ذکر می‌شود و سپس رویکرد میان‌رشته‌ای/گفتگویی را با جزئیات و نمونه‌های مرتبط تشریح خواهد شد.

یکی از مفاهیم مسأله‌مدار در قرآن واژه «نذر» است. می‌دانیم که در دوران متأخر از نزول، این واژه بیشتر در ارتباط با عهدهایی بوده است که میان بندگان و خداوند بسته می‌شده است. اما برخی کاربردها در قرآن تناسب خوبی با چنین معنایی ندارد. در این ارتباط می‌توان به آیه ۳۵ سوره آل‌عمران اشاره کرد که در آن همسر عمران می‌گوید: "إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا". در این آیه شریفه همسر عمران نذر می‌کند تا آنچه در شکم دارد آزاده گرداند. چنین نذری با معانی رایج در ارتباط با «نذر» سازگاری چندانی ندارد. این درحالی است که مراجعه به ریشه‌های این واژه در زبان‌های سامی و کاربردهای عهدینی آن نشان می‌دهد که این واژه دارای دو ریشه متفاوت «نزر» و «نذر» می‌باشد و نکته قابل توجه آن است که ریشه اول عموماً به معنای «امساک کردن»، «وقف شدن» و «اختصاص یافتن» است و این معنا فهم بهتری از آیه را برای ما ایجاد می‌نماید (برای تفصیل این پژوهش نک: پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۸ش، صص ۷-۲۸). همانطور که بارز است در اینجا رابطه‌ای یکسویه میان مطالعات عهدینی و قرآن کریم برقرار است و کارکردهای «نذر» در عهدین به تبیین و فهم بهتر معنای این واژه در قرآن به ما کمک می‌نماید. همتی و شاکر (۱۴۰۰ش) نیز در پژوهش دیگری تلاش کرده‌اند برای معنای «نفس» در قرآن، با استفاده از ریشه‌های سامی آن خصوصاً در عهدین تبیین بهتری ارائه نمایند. البته در این پژوهش به جز تطبیق معنای نفس در قرآن و زبان‌های سامی، کمتر می‌توان نتیجه محسوسی از این ارتباط و بیان تمایزها و اشتراک‌ها یافت و آنگونه که ارتباط قرآن و عهدین در تبیین معنای «ذکر» اثربخش بوده‌اند، در پژوهش اخیر و تبیین معنای «نفس» کارآمد نبوده‌اند. اما این رابطه یکسویه می‌تواند به‌عکس و برای تبیین مفاهیم موجود در اناجیل یا تورات باشد.

در ارتباط با گونه اخیر می‌توان به بحث مهم و جذاب عبور شتر از سوراخ سوزن اشاره کرد:
 "إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ" (الأعراف/۴۰).

گرچه در این آیه شریفه، بحث عبور شتر از سوراخ سوزن برای نمایش عدم امکان ورود فرد متکبر و مکذّب در بهشت است، اما عموماً در اناجیل این امتناع برای فرد ثروتمند مطرح شده است:

«به‌راستی شما را می‌گویم که درآمدن به ملکوت آسمان‌ها بر **توانگر** دشوار خواهد بود. آری، دگر بار شما را می‌گویم که گذشتن شتر از روزن سوزن آسان‌تر است تا درآمدن توانگر به ملکوت آسمان‌ها» (متی، باب نوزدهم آیه ۴۲؛ مرقس، باب دهم آیه ۴۲؛ لوقا، باب هجدهم آیه ۴).

پرسش اساسی اینجا است که چرا باید افراد ثروتمند به شکل مطلق وارد جهنم شوند و چرا به طور کلی ثروت باید مذموم باشد؟! با برقراری رابطه بینامتنی و تطبیقی میان گزاره قرآنی و گزاره اناجیل می‌توان فرد ثروتمند را به ثروتمندان متکبر و مکذّب تفسیر کرد و با این تفسیر، آن مشکل، قابل توجیه و فهم خواهد شد (برای تفصیل و جزئیات این رابطه و استدلال‌های متعدد مرتبط با آن رک: گلدری، ۲۰۱۸م، ص ۷۷-۸۹؛ همچنین برای نمونه دیگری در همین ارتباط نک: کشاورزی و همتی، ۱۳۹۸ش). همانطور که مشاهده می‌شود در این نمونه، رابطه یک‌سویه‌ای میان قرآن و اناجیل برقرار شده است که این رابطه یکسویه در جهت فهم و تبیین بهتر گزاره‌های موجود در اناجیل است و برخلاف مورد پیشین (انگاره «نذر»)، مسأله و چالش اصلی ما در متون عهدینی است و نه قرآن.

بارز است که در هر دوی این موارد با رابطه یک‌سویه میان قرآن و عهدین روبرو هستیم؛ در حقیقت چالش و مسأله اصلی پژوهش در یکی از طرفین وجود داشت. اما در گونه دومی که پرداخته خواهد شد با رابطه‌ای دوسویه روبرو هستیم که ما را با رویکرد گفتگویی و میان‌رشته‌ای روبرو می‌کند:

۳-۲. مطالعه تطبیقی میان‌رشته‌ای/گفتگویی در مطالعات عهدین و قرآن

همانطور که در قسمت پیشین نیز بیان کردیم، مطالعات تطبیقی میان‌رشته‌ای به دو گونه می‌تواند مورد نظر قرار بگیرد: ترارشته‌ای و میان‌رشته‌ای. در گونه ترارشته‌ای ارتباطی یک‌سویه میان قرآن و عهدین برقرار است (نک: پاکتچی، ۱۳۹۶ش، ص ۲۲) و در این ارتباط یک‌سویه، چالشی مشخص در یکی از طرفین حل و فصل می‌شود. در قسمت پیشین به هر دو گونه تعامل در گونه ترارشته‌ای اشاره شد و نمونه‌هایی نیز برای آن‌ها بیان گشت. در این قسمت به گونه دوم که از نگاه ما متکامل‌ترین گونه در مطالعات تطبیقی میان‌رشته‌ای است پرداخته می‌شود. در اینجا ابتدا این گونه را توضیح داده و سپس با نمونه‌هایی مکانیسم مطالعه تطبیقی میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های قرآن و عهدین ترسیم خواهد شد.

پاکتچی (۱۳۹۶) معتقد است که گونه میان‌رشته‌ای زمانی حاصل می‌شود که « [...] نوعی گفتگو میان داده‌های دو حوزه علمی صورت گیرد و این داده‌ها برای رسیدن به نتیجه‌گیری‌ای مشترک هم‌گرا شوند» (ص ۲۲). «گفتگو» میان دو حوزه، و ایجاد «هم‌گرایی» دو عامل اصلی میان‌رشته‌ای در این تعریف محسوب می‌شوند. از «گفتگو» عموماً در دیدگاه نظریه‌پردازان میان‌رشته‌ای با عنوان «تلفیق»^۱ یاد می‌شود (کلاین^۲، ۱۹۹۰م.؛ آکادمی ملی علوم^۳، ۲۰۰۵م؛ رپکو و زوستاک^۴، ۲۰۱۷م). در این گونه، اگر رشته‌ها صرفاً در کنار هم دیگر قرار بگیرند اما تلفیق و ترکیب عقاید و روش‌ها صورت نپذیرد، میان‌رشته‌ای صحیحی صورت نپذیرفته است (آکادمی ملی علوم، ۲۰۰۵، ص ۲۷). همانطور که در شکل شماره ۱ نیز دیده می‌شود،

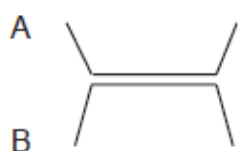
1- Integration.

2 - Klien

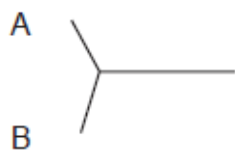
3 - national academy of sciences

4 - Repko and et al

نتیجه و دست‌آورد تلفیق دو رشته در «میان‌رشتگی»، هم‌گرایی است؛ همان چیزی که پاکتچی (۱۳۹۶) نیز به‌درستی به آن اشاره کرده بود.



A *Multidisciplinary:*
Join together to
work on common problem,
B split apart unchanged
when work is done.



C *Interdisciplinary:*
Join together to
work on common question or problem.
Interaction may forge a new
research field or discipline.

شکل شماره ۱

تمایز چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای از نگاه آکادمی ملی علوم، ۲۰۰۵، ص ۲۷

اما آنچه از «هم‌گرایی» از آن یاد شده است در نگاه نظریه‌پردازان این حوزه با عنوان «ادراک جامع» از پدیدارهای چندتباری و پیچیده در نظر گرفته شده است. در تعریفی که ابتدای این مقاله از کلاین و نیوویل (۱۹۹۷م.) ذکر شد، تعریف میان‌رشتگی و جایگاه ادراک جامع به‌خوبی توضیح داده شد. اما آنچه که اینجا در مطالعات تطبیقی عهدین و قرآن به‌شکل خاص مورد نظر است این است که بتوان اولاً چالش‌هایی را در هر دو طرف تطبیق شناسایی کرد؛ ثانياً بتوان راه‌کاری برای حل این چالش دو طرفه به دست آورد: در ادبیات نظری مطالعات میان‌رشته‌ای از این با عنوان «زبان مشترک»^۱ یاد می‌شود. بعد از پیدا کردن زبان مشترک میان دو حوزه متمایزی که با آن روبرو هستیم، در نهایت به ادراک جامعی دست پیدا می‌کنیم که مؤلفه‌های اصلی هر دو طرف تطبیق در آن موجود است. اما پرسش اساسی اینجاست که این گفتگو که از طریق ایجاد زبان مشترک میان دو حوزه پدید آمده است در پژوهش ما دقیقاً به چه معنایی است و در چه صورتی می‌توانیم از تحقق آن اطمینان یابیم؟ و در نهایت آنچه که از «ادراک جامع» از آن سخن می‌گوییم چیست و چه نمونه‌هایی برای توضیح بیشتر آن می‌توانیم بیاوریم؟

۳-۳. مطالعه تطبیقی میان‌رشته‌ای یا تفسیر بینا‌پارادایمی قرآن

پیش از اینکه با تفصیل بیشتر به مکانیسم تلفیق و گفتگو در میان‌رشتگی پرداخته شود، لازم است به این نکته بسیار مهم رهنمون شویم که هنگامی که از میان‌رشته‌ای صحبت می‌کنیم صرفاً دیسیپلین‌ها یا دانش‌های مرسوم در این دایره قرار نمی‌گیرند. همانطور که برخی از پژوهش‌گران نیز رهنمون شده‌اند، برخی

¹ - Common Ground.

دیگر از گونه‌ها مانند «سامانه»^۱، «گفتمان»^۲، و «پارادایم»ها نیز می‌توانند در زمره این دست از مطالعات قرار بگیرند (برای توضیح بیشتر نک: سلمان نژاد و درزی، ۱۳۹۷، صص ۱۵-۴۶)؛ بنابراین وقتی از مطالعات میان‌رشته‌ای سخن می‌گوییم، مواردی که علاوه بر دیسیپلین‌ها، پارادایم‌ها نیز درگیر گفتگو و ارتباط می‌شوند شامل خواهد شد. در این‌جا تلاش شده است در قالب دو نمونه به هر دوی این موارد پرداخت: «رویکرد بین‌الادیانی به معنای «من بعد الذکر» در قرآن کریم» (پاکتچی، ۱۳۹۶ش). نمونه خوبی برای گونه اول و «پیامبری دیگر: عیسی در قرآن» (خورشیده و فون استوس، ۲۰۱۹م). نمونه خوبی برای گونه دوم و تفسیر بینا‌پارادایمی قرآن محسوب می‌شوند.

آنچه که برای توصیف مکانیسم گفتگو و تلفیق در این دو نمونه اهمیت دارد، کیفیت کشف چالش‌های طرفینی در مطالعات تطبیقی قرآن و عهدین و در مرحله بعدی، چگونگی دستیابی به زبان مشترک برای به وجود آوردن هم‌گرایی و مفهومی در بردارنده وجوه مورد نظر در هر دو طرف می‌باشد. این مفهوم نهایی هم‌گرا همان ادراک جامعی است که قریب به اتفاق میان‌رشته‌پژوهان آنرا دست‌آورد و نتیجه میان‌رشته‌ای توصیف کرده بودند.



شکل شماره ۲

مراحل تلفیق بینش‌های رشته‌ای (پارادایمی)، ایجاد گفتگو و ایجاد مفهومی همگرا در مطالعات تطبیقی میان‌رشته‌ای (گفتگویی)

تصویر شماره ۲، نمایش‌گر مراحل است که برای دستیابی به مطالعه تطبیقی میان‌رشته‌ای (گفتگویی) و تفسیر بینا‌پارادایمی نیاز است طی شود. در این تصویر ما صرفاً به بخش دوم از فرآیند میان‌رشته‌ای که «تلفیق بینش‌ها» است پرداخته شده و بخش اول که «بینش‌های رشته‌ای» است مورد توجه نبوده است. در این فرآیند، باید دو گام اصلی برداشته شود: ۱- دستیابی به زمینه مشترک؛ ۲- مفهوم‌سازی و ایجاد ادراک جامع. در گام اول و برای دستیابی به زمینه مشترک باید دو مرحله اصلی طی شود: ابتدا باید مناقشات موجود میان رشته‌ها را شناسایی کرد و در گام دوم لازم است این مناقشات برطرف شوند. از بین رفتن این مناقشات ما را با یک زبان مشترک میان دو رشته روبرو خواهد کرد. بعد از دستیابی به زبان

^۱ اصطلاح سامانه در جایی استفاده می‌شود که نوعی ساماندهی در مجموعه‌ای از باورها، بایدها و موارد دیگری غیر از مجموعه‌ای از دانش وجود داشته باشد (همانجا).

^۲ -گفتمان عبارت است از مطالعه استفاده از زبان در ورای مرزهای جمله/پاره‌گفته؛ مطالعه روابط متقابل زبان و جامعه؛ مطالعه خصائص تعاملی و گفت‌وگویی ارتباط روزمره (فاضلی، ۱۳۸۳، ص ۸۳).

مشترک است که می‌توان به ایجاد ادراک جامع خوش‌بین بود. لذا بعد از دستیابی به زبان مشترک به تلفیق و ترکیب بینش‌ها مبادرت خواهد شد. این تلفیق زمینه لازم را برای ادراک جامع فراهم می‌آورد. در قسمت بعدی در قالب نمونه‌هایی این فرآیند در مطالعات تطبیقی توضیح داده می‌شود (برای آگاهی از تفصیل فرآیند میان‌رشتگی نک: درزی و سلمان نژاد، ۱۳۹۸ش، صص ۷۱-۱۰۶).

۴. رویکرد بین‌الادیانی به معنای «من بعد الذکر» در قرآن کریم

یکی از نمونه‌های خوبی که برای نمایش مطالعه تطبیقی میان‌رشته‌ای و گفتگویی میان قرآن و عهدین می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد چالشی است که در فهم معنای «ذکر» در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء وجود دارد. در این آیه شریفه بنابر آنچه که گفته شد اگر قرار باشد شاهد گفتگو و میان‌رشته‌ای باشیم لازم است که بتوان ابتدا چالش‌های موجود در بخش عهدینی و قرآنی را تبیین کرد؛ سپس با ایجاد زمینه مشترک، راهکار رفع این چالش و دستیابی به یک مفهوم مورد قبول دو طرف را مشاهده نمود.

از جهت قرآنی، رجوع به تفاسیر اسلامی نشان می‌دهد که اختلاف بسیار زیادی میان مفسران در تشخیص مصداق «ذکر» وجود دارد و به هیچ‌روی نمی‌توان دیدگاه متفق‌القولی را پیرامون آن یافت. دیدگاه‌ها در تعیین مصداق این واژه میان «لوح محفوظ»، «تورات» و «قرآن» دوران دارد. اما مشکل و چالش اصلی آنجا است که جستجو در این تفاسیر امکان ترجیح یکی از این اقوال، یا در صورت وجود توجیه، دستیابی به توجیهی قابل قبول برای آن را پدید نمی‌آورد؛ بنابراین مراجعه به عهد عتیق که مورد ارجاع همین آیه شریفه هم بوده است می‌تواند به‌عنوان محملی برای خروج ما از این تردید مورد توجه قرار بگیرد. این گزاره و عبارات مشابه آن هم در مزامیر آورده شده است و هم در ۴ سفر از اسفار پنجگانه تورات آمده است، با این تفاوت که در مزموور، زمین به صالحان ارث داده می‌شود اما در تمامی اسفار تورات که این عبارت آورده شده است، زمین به ابراهیم و یعقوب یا فرزندان اسرائیل به ارث می‌رسد. بنابراین چالشی که در عهد عتیق با آن روبرو هستیم اختلافی است که در ارث‌بری زمین وجود دارد: زمین متعلق به خاندان ابراهیم و یعقوب است یا اینکه نیکان و صالحان سرانجام آنرا بدست خواهند آورد؟ در اینجا چالش میان دو مفهوم خاص و عام است. (برای تفصیل این چالش نک: پاکتچی، ۱۳۹۶ش).

همانطور که مشاهده می‌شود در اینجا چالشی دوسویه وجود دارد: هم در متن قرآنی با ابهام و مصادیق متعدد روبرو هستیم که مفسران قرآن نتوانسته‌اند مصادیق محتمل را با ترجیحی قابل قبول از ابهام درآورده و تبیین نمایند. در عهد عتیق نیز با ابهام در مصادیق افرادی روبرو هستیم که زمین را به ارث می‌برند. برای حل این چالش دوسویه همانطور که در عکس شماره ۲ نیز نشان داده شده به زبان و زمینه مشترک نیاز خواهیم داشت تا ادراک جامع ایجاد شود. به نظر می‌رسد که گزاره موجود در «زبور» می‌تواند این

زمینه مشترک را برای ما ایجاد نماید. این متن به دوران عهد عتیق تعلق دارد اما از جهت معنایی به متن قرآنی شباهت دارد و همراستا با گزاره قرآنی، ارث‌بری زمین را مرتبط با نیکان و صالحان می‌داند.^۱

بنابراین گفته شد و در گفتگوی میان متن قرآنی در کنار متن تورات و زبور دیده می‌شود، یک تحول معنایی از متن موجود در تورات در متن موجود در زبور دیده می‌شود؛ تحولی که از قوم و نژاد برگزیده و شایستگی‌ها بر اساس نسب به شایستگی بر اساس صلاحیت‌ها و ویژگی‌های انسانی می‌باشد. واضح است که این تحول در همان دوران عهد عتیق رخ داده و قرآن هم به همین تحول بنیادین توجه و دلالت می‌دهد. اما در بخش قرآنی، با فهم این نکته بنیادین و اساسی، درک عمیق‌تری نسبت به مصداق «ذکر» ایجاد شده، «تورات» به‌عنوان مصداق مرجح، انتخاب و مورد توجه قرار می‌گیرد. آشکار است که چگونه توجه به ارتباطات بینامتنی میان آیه ۱۰۵ سوره الانبیاء و آیات مشابه در تورات و زبور در حل چالش‌های دو سویه موجود اثربخش بوده است. با این مطالعه تطبیقی، هم ترجیح خوانش زبور نسبت به خوانش توراتی میسور می‌شود، هم در تفسیر «زبور» در قرآن، میان مصادیق متعدد می‌توان مرجح را با توجیه متقاعد کننده یافت.

اینک برای تبیین بیشتر این گونه به مثال مهم دیگری می‌پردازیم:

۵. انگاره «عیسی» در قرآن و اناجیل (پارادایم اسلام و مسیحیت)

رویکرد متفاوتی که به «عیسی» در قرآن و اناجیل وجود دارد همیشه به‌عنوان محل اختلافی جدی میان اسلام و مسیحیت محسوب می‌شده است. یکی از اثربخش‌ترین آثاری که تاکنون برای برطرف کردن این اختلاف و ایجاد گفتگو میان پارادایم اسلام و مسیحیت نوشته شده کتاب «پیامبری دیگر؛ مسیح در قرآن» می‌باشد. تمایز بارزی که میان این اثر و آثار مشابه وجود دارد در دو چیز است: ۱- این کتاب به‌شکل مشترک توسط دو استاد مسلمان و مسیحی نوشته شده که هر کدام دارای کرسی آکادمیک در دین خود می‌باشند؛ ۲- این کتاب به قصد ایجاد گفتگو و رفع چالش‌های رایج نوشته شده و به شکل خاص فصل آخر کتاب با عنوان «دیدگاه‌های جدید در قرآن» (خورشیده و اشتوش، ۲۰۱۹م، ص ۲۰۲) به نتایج سیستماتیک از دیدگاه مسیحیت و اسلام اختصاص پیدا کرده است. همانند گونه پیشین، در اینجا نیز ابتدا چالش‌های موجود در اسلام و مسیحیت را برشمرده و سپس راه‌کارها برای حل این چالش‌ها و دست‌یابی به ادراک جامع‌المنظر که مؤلفه‌های اسلام و مسیحیت، هر دو را داشته باشد بیان خواهیم شد. آنچه در اینجا اهمیت زیادی دارد آن است که در «گفتگو» میان پارادایم‌ها ضروری است که هر یک از طرفین نسبت به دیدگاه‌های خود بازنگری انجام دهد و تاحدی آنرا به‌نفع طرف مقابل تعدیل نماید. تا زمانی که طرفین رویکرد حداکثری را در حفظ مؤلفه‌های موجود در دیدگاه خودشان دارند هیچ‌گاه به گفتگوی

^۱- وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (الأنبياء/ ۱۰۵)

ثمربخش و منتج منتهی نخواهد شد. بازنگری و تعدیل دیدگاه‌ها و در نظر داشتن مؤلفه‌های دیدگاه رقیب به‌عنوان عاملی اساسی در دستیابی به زبان مشترک و در نتیجه دیدگاه هم‌گرا معرفی می‌شود. در این کتاب به‌خوبی با تبیین چالش‌های موجود در اناجیل و قرآن در موضوعات مورد علاقه طرفین روبرو هستیم. البته در حل این چالش‌ها و دستیابی به زبان مشترک نیز تلاش خوبی صورت گرفته است. اینک به برخی از چالش‌های موجود در اناجیل و قرآن پیرامون «عیسی» اشاره می‌شود:

۵- ۱. چالش‌های موجود در مسیحیت و اناجیل پیرامون مسیح:

در مسیحیت و اناجیل مطالبی وجود دارد که به خدانگاری مسیح و یا راهبان مسیحی دلالت دارد. در قرآن نیز آیاتی وجود دارد که تا حد زیادی تصدیق‌کننده چنین معنایی است (التوبة: ۳۱). چنین چیزی با وضعیت موجود و واقعی پارادایم مسیحیت چگونه قابل توجیه است؟ در اناجیل و نگاه مسیحیت اختلاف و تنش زیادی میان عیسی با مادر و خانواده‌اش وجود دارد این در حالی است که عیسی در قرآن از همان بدو تولد اصلی‌ترین حامی برای مادر خود است و ارتباط عاطفی قوی‌ای میان این دو برقرار است.

۵- ۲. چالش‌های موجود در دیدگاه اسلامی پیرامون مسیح:

با وجودی که اتفاق نظر زیادی در مسیحیت پیرامون کشته شدن عیسی وجود دارد اما در قرآن گزاره‌ها به‌گونه‌ای است که از آن چنین برمی‌آید که عیسی کشته نشده است (النساء/۱۵۷). هم‌چنین از گزاره‌هایی از قرآن چنین برمی‌آید که عیسی بعداً رجعت خواهد کرد و باز خواهد گشت (آل عمران/۴۶). چنین اعتقادی چگونه با دیدگاه رایج در میان مسیحیت و یا گزاره‌های موجود در اناجیل قابل توجیه است؟

عبارات و گزاره‌های قرآنی پیرامون مسیحیت گاهی به‌گونه‌ای است که از آن ضدیت با دین مسیحیت به‌شکل کلی استنباط می‌شود. هم‌چنین گزاره‌هایی در قرآن و در میان مسلمانان وجود دارد که تحریف اساسی و بنیادی اناجیل رایج در میان مسیحیان را متضمن است. چنین معنای‌ای چگونه با تایید کلی مسیحیت و اناجیل که در بخش دیگری از آیات قرآن وجود دارد قابل جمع و تبیین است؟ بارز است که از نگاه نویسندگان کتاب «عیسی در قرآن»، چالش‌های بنیادینی در قرآن و اناجیل و بالتبع در پارادایم اسلام و مسیحیت پیرامون عیسی دیده می‌شود. همان‌گونه که در کتاب «پیامبری دیگر؛ عیسی در قرآن» نیز دیده می‌شود، برای غلبه بر این چالش‌ها و ایجاد گفتگو میان دیدگاه موجود در قرآن و اناجیل ضروری است نگاهی معتدل و میانه نسبت به هر یک از این چالش‌ها در هر دو طرف وجود داشته باشد؛ در حقیقت لازم است هر یک از طرفین مؤلفه‌های اصلی در دیدگاه رقیب را مورد توجه قرار داده باشد و بدون چنین رویکردی با دیدگاهی تقلیل‌گرایانه و ناقص روبرو خواهیم بود.

۶. غلبه بر چالش‌ها، ایجاد زمینه (زبان) مشترک و ایجاد ادراکی جامع

همانطور که در قسمت‌های پیشین نیز بیان شد در مطالعات تطبیقی گفتگویی برای ایجاد ادراک جامع-المنظر لازم است بعد از تبیین چالش‌ها، به کاهش این تنش‌ها و سعی بر ایجاد ادراک و همدلی متقابل ایجاد شود. در این قسمت می‌خواهیم ببینیم که مؤلفین کتاب «عیسی در قرآن» چگونه بر این چالش‌ها غلبه و همدلی متقابل را ایجاد کرده‌اند. بدین منظور توجیهاات موجود برای غلبه بر یکایک چالش‌های فوق‌الذکر بیان می‌گردد:

۱. خدا انگاری مسیح و احبار و روحانیون مسیحی یکی از چالش‌های اساسی و مهمی است که نسبت به مسیحیت در قرآن مطرح شده است. خدا انگاری مسیح و احبار و رهبان مسیحیت در وهله اول ناظر است به کنایه‌ای به اعراب مشرک که عیسی را پسر زیستی خدا می‌دانستند (خورشیده و اشتوش، همان، صص ۲۰۴ - ۲۰۵). در حقیقت قرآن کریم با بیان این مطلب مهم می‌خواهد اعتقاد نادرست مشرکین معاصر خود که فرشتگان را دختران خدا می‌دانند از این طریق نقد کند. در آیه زیر می‌توان به صراحت این ملازمه و معنای کنایی را مشاهده کرد: "لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ" (النساء/۱۷۲). در کنار این مطلب مهم که پرداختن به این موضوع در حقیقت کنایه‌ای است به اعتقادات نادرست مشرکین دوران پیامبر، هم‌چنین ناظر است به برخی گروه‌ها و فرقه‌ها در مسیحیت که چنین اعتقادی داشته‌اند؛ بنابراین پرداختن به این موضوع در قرآن نمی‌تواند دلیلی برای مجادله مطلق با مسیحیت باشد. اما مطلب مهم دیگری که سبب می‌شود نگاه قرآن با هم‌دلی بیشتری با نگاه‌های موجود در مسیحیت تفسیر شود، اوصاف برجسته‌ای است که برای عیسی به کار رفته است. اوصافی از قبیل: نشانه و آیت خدا، کلمه الله، شباهت عیسی و قرآن در اینکه هر دو بوسیله روح القدس ابلاغ شده‌اند، و ... (همان، صص ۲۰۵). در نظر داشتن این اوصاف بسیار متعالی برای عیسی و توامان آن، نفی خداانگاری او، جایگاهی مشخص و البته متعالی را برای او ترسیم می‌نماید. در اینجا شاهد هستیم که چگونه چالش خداانگاری مسیح در دیدگاه طرفین با خوانشی تعدیل شده روبرو است؛ هم نگاه موجود در مسیحیت تعدیل می‌شود و به گروه‌های خاصی محدود می‌شود و هم آنچه در قرآن بیان شده است با خوانشی کنایی به عنوان نقدی بر اعتقادات رایج در مشرکین معنادار شده، و با توجه به اوصاف متعالی که برای عیسی در قرآن هست، نگاهی متعالی و تاحدی متمایزتر از دیگر پیامبران برای او اثبات می‌شود. در اینجا نوع مواجهه با عیسی در قرآن، هم حائز دست‌آورد برای اناجیل است و هم نقش معرفت‌افزایی برای مواجهه ما با قرآن کریم را دارد.

۲. چالش مهم دوسویه دیگری که در این کتاب بدان پرداخته شده است، بحث کشته شدن و بازگشت عیسی^۴ است. در این ارتباط شاهد هستیم که تلاش می‌شود اولاً آیات قرآن از جهت ظواهر الفاظ دقیق‌تر مورد توجه قرار گیرند. خورشیده در این ارتباط معتقد است که قرآن منکر مرگ عیسی نیست و بنا دارد اینرا تأیید کند که عیسی در برابر نفرت مخالفین تسلیم نشد و مانند کشته شدگان در راه خداوند، او نیز

زنده است (آل عمران: ۱۶۹). از دیدگاه او این نگاه معتدل به وفات عیسی سبب خواهد شد که مرزبندی شدیدی که پیرامون تصلیب عیسی بین مسلمانان و عیسی کشیده شده است محو شود (ص ۲۰۸) و با رفع این چالش امکان بهتری برای گفتگو میان پارادایم اسلام و مسیحیت بوجود بیاید.

۳. چالش دیگری که در میان مسلمانان نسبت به اهل کتاب و بخصوص مسیحیت وجود دارد ناظر است به «تحریف کتب مقدس پیشین». برای رفع این چالش نویسندگان کتاب تلاش کرده‌اند با مراجعه به متن قرآن و دقت در گزاره‌ها نشان دهند که تحریف در قرآن نه ناظر به اصل کتاب‌ها بلکه ناظر است به گروه‌هایی از یهود و مسیحیت که محتوای کتاب مقدس را تغییر می‌داده‌اند؛ چیزی شبیه به تحریف معنوی مرتبط با قرآن (ص ۲۰۸). مرتبط با تعدیل این چالش برخی دیگر از پژوهش‌گران نیز نشان داده‌اند که اعتقاد به تحریف کتب مقدس انگاره‌ای نیست که در دوران پیامبر و صدر اسلام وجود داشته باشد و پدید آمدن چنین انگاره‌ای به اوایل دوران بنی‌عباس باز می‌گردد (نک: طباطبایی و مهدوی راد، ۱۳۹۷ ش). باید توجه داشت که فائق آمدن به این چالش اساسی میان مسلمانان و مسیحیت برای امکان گفتگو امری ضروری است و تا زمانی که طرفین نگاه بدبینانه افراطی نسبت به کتاب‌های مقدسشان داشته باشند نمی‌توان انتظار داشت گفتگوی ثمربخشی رخ دهد.

همانطور که در بررسی نمونه‌محور کتاب عیسی در قرآن شاهد بودیم، مطالعه تطبیقی گفتگویی در تلاش است تا هر چه بیشتر زاویه دید پارادایم مقابل را مد نظر قرار دهد. چنین کاری نیز متضمن برداشتن دو گام اساسی است: تبیین چالش‌های اصلی که پیش‌روی دو طرف وجود دارد، و برطرف کردن این چالش‌ها. در صورتی که بتوان چالش‌های موجود را کاهش داد و مرتفع کرد، پیرامون مفاهیم مورد علاقه طرفین به مفهومی جدید دست پیدا خواهیم کرد که مؤلفه‌های اصلی طرفین در آن لحاظ شده است. به‌شکل خاص وقتی پیرامون «عیسی در قرآن» چنین گفتگویی را تدارک می‌دهیم اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی که به‌شکل هم‌گرا از طریق این گفتگو شکل گرفته است عبارتند از:

- ۱- برجسته‌سازی رحمت به‌عنوان درون‌مایه اصلی دیدگاه اسلام و مسیحیت پیرامون عیسی؛
- ۲- نفی خداانگاری مسیح و تأکید بر ویژگی‌های متعالی عیسی با توجه به صفاتی همچون: کلمة الله، روح الله، و ...؛
- ۳- تأکید بر زنده ماندن و جاویدان شدن پیام عیسی که در مبارزه با دشمنان به کم فروغ شدن آن منجر شد و کمرنگ شدن بحث وفات و تصلیب عیسی؛
- ۴- تأکید بر تحریف پیام پیامبران بخصوص مخاطبین عیسی توسط علما، احبار و گروه‌های مشخصی در میان مسیحیان و برجسته‌سازی تایید قرآن نسبت به محتوای کتاب‌های مقدس.

در این ۴ مؤلفه که در زمره اهمّ نتایج گفتگو در قالب پارادایم اسلام و مسیحیت است می‌توان بخوبی شاهد زبان مشترکی بود که از طریق تبیین و رفع چالش‌های طرفینی است. از نگاه نویسنده این سطور چنین مطالعه تطبیقی‌ای به‌عنوان متکامل‌ترین گونه این دست از مطالعات معرفی می‌شود.

نتیجه

در این مقاله تلاش شد گونه‌ای جدید و متفاوت در مطالعات تطبیقی قرآن و عهدین را تئوریزه و تبیین شود؛ برای این کار نیز ابتدا مطالعات تطبیقی و رویکرد میان‌رشته‌ای به این مطالعات را تبیین نموده و سپس دو گونه اصلی از مطالعات تطبیقی میان‌رشته‌ای (گفتگویی) / تفسیر بیناپارادایمی با جزئیات بیان گشت. بر این اساس اهمّ نتایج این پژوهش به شرح زیر است:

۱- مطالعه تطبیقی میان‌رشته‌ای در موضوعی مورد نظر قرار می‌گیرد که ادراک جامع و احاطه بر منظرهای مختلف در آن محقق شود.

۲- چنین پژوهشی علاوه بر رشته‌ها می‌تواند متضمن فراگیری پارادایم‌ها و سامانه‌ها نیز شود. بنابراین «تفسیر بیناپارادایمی» قرآن نیز گونه‌ای از مطالعات تطبیقی میان‌رشته‌ای است که در آن بنا بر این است که ادراک مورد علاقه و مشترک میان دو پارادایم را هم‌گرا و در راستای همدیگر تحلیل و تفسیر شود.

۳- دو گونه اصلی مطالعات تطبیقی میان‌رشته‌ای به موضوعی که ارتباط یکسویه میان طرفین برقرار است (میان‌رشته‌ای روش‌شناختی) و زمانی که ارتباط دوسویه میان طرفین تطبیق برقرار است (میان‌رشته‌ای نظری) تقسیم می‌شود. در گونه اول ره‌آورد تطبیقی صرفاً برای یکی از طرفین حائز اهمیت است و به تبیین موضوع یا حل مسأله در یکی از آنها منجر می‌شود. حال آنکه در ارتباط دوسویه، هر دو طرف از ره‌آورد تطبیق منتفع می‌شود و در نهایت نیز نوعی مفهوم‌سازی صورت می‌پذیرد که مؤلفه‌های مورد علاقه هر دو طرف در آن قابل رصد و دست‌یابی است.

۴- «عیسی در قرآن» یکی از نمونه‌های بسیار خوب برای گونه میان‌رشته‌ای نظری در مطالعات تطبیقی می‌باشد. در پارادایم اسلام و مسیحیت دیدگاه‌هایی پیرامون عیسی وجود دارد که بعضاً در چالش حداکثری با همدیگر قرار دارند. اهمّ این چالش‌ها را در مواردی همچون: تصلیب و رجعت عیسی، تحریف کتب مقدس، خداانگاری مسیح و احبار و رهبان دانست. پژوهش‌گران کتاب «عیسی در قرآن» از ره‌آورد گفتگو و رفع چالش‌های موجود توانسته‌اند زمینه را لازم برای مفهوم‌سازی‌های جهان‌شمول و عاری از سوگیری‌های دینی پدید آورند.

۵- مهمترین چالشی که در پیش‌روی چنین مطالعاتی قرار دارد عبارت است از: چگونگی دست‌یابی به گفتگو و رفع چالش‌ها. آن گونه که در این کتاب نیز شاهد آن بوده‌ایم تنها یک فصل، آنهم به اختصار به تبیین دیدگاه‌ها از طرف اسلام و مسیحیت اختصاص پیدا کرده است؛ حال آنکه انتظار می‌رفت برای تحقق گفتگو، رفع چالش‌ها نیز در فصلی دیگر و با استعانت از ادله کافی برای نقد دیدگاه‌ها صورت بپذیرد؛ چیزی

که هیچ‌گاه محقق نشده و جای مفهوم‌سازی‌هایی که ره‌آورد این گفتگو بوده همچنان خالی است. در انتهای این مقاله تلاش شد به اهمّ این مفاهیم مشترک اشاره شود.

منابع

۱. پاکتچی، احمد (۱۳۹۶ش). «رویکردی بین‌الادیانی به معنای "من بعد الذکر" در قرآن کریم»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، سال اول، شماره اول.
۲. پاکتچی، احمد؛ محمد حسن شیرزاد و محمد حسین شیرزاد. (۱۳۹۸ش). «تحلیلی زبانشناختی- بین‌الادیانی از انگاره نذر در قرآن کریم»، *کتاب قیم*، سال نهم، شماره ۲۰.
۳. پاکتچی، احمد (۱۳۹۰ش). *روش تحقیق تخصصی با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث*، تنظیم و ویرایش: مصطفی فروتن تنها، سید علی بنی هاشمی جمارانی.
۴. درزی، قاسم؛ سلمان نژاد، مرتضی (۱۳۹۸ش). «فرآیندشناسی مطالعات میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های قرآنی؛ نمونه موردی: واژه «شاکله» در آیه ۸۴ سوره اسراء»، *رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث*، دوره ۵۱، شماره اول.
۵. سلمان نژاد، مرتضی و درزی، قاسم (۱۳۹۷ش). «مروری بر مطالعات میان‌رشته‌ای حدیث؛ گونه‌شناسی و نمونه‌ها»، منتشر شده در: *رویکردهای نوین در حدیث پژوهی شیعه*، به کوشش: مرتضی سلمان نژاد و دکتر محمد هادی گرامی، انتشارات دانشگاه امام صادق^ع.
۶. طباطبایی، محمدعلی؛ مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۹۷ش). «تاریخ انگاره تحریف بایبل در مجادلات مسیحی اسلامی»، *تاریخ اسلام*، شماره ۷۴، ص ۱۸۰-۱۳۷.
۷. فاضلی، محمد (۱۳۸۳ش). «گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۴۰.
۸. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۵ش). *روش‌شناسی مطالعات دینی*، چاپ ششم. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۹. کشاورزی، وفادار و همتی، محمد علی (۱۳۹۸ش). «پژوهشی تاریخی تطبیقی از «استکبار و تکبر» در زبان‌های عبری، سریانی و عربی با تکیه بر قرآن و عهدین»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۱۰.
۱۰. همتی، محمدعلی و شاکر، محمد کاظم (۱۴۰۰ش). «تبارشناسی واژه‌ی «نفس» در زبان‌های سامی با بررسی کاربردهای معانی آن در قرآن و عهدین»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، دانشگاه الزهراء، دوره ۱۸، شماره پیاپی ۵۰، ص ۲۳۹-۲۱۳.

11. Freiberg, Oliver (2019), *Considering Comparison: A Method for Religious Studies*. Oliver Freiberg, Oxford University Press;
12. Gabriel Reynolds, Said, (2010), *The Qur'an and its Biblical Subtext*, Routledge;

13. Galadari, Abdulla, (2018), "The Camel Passing Through the Eye of the Needle: A Qur'Anic Interpretation of the Gospels", *Ancient Near Eastern Studies*, 55: 77-89;
14. Griffith, Sidney H, (2013), *The Bible in Arabic: The Scriptures of the "People of the Book" in the Language of Islam*, Princeton University Press, 2013;
15. Khorchide, Mouhanad; von Stosch, Klaus, (2019), *The Other Prophet: Jesus in the Qur'an*, translated by: Simon Pare, Gingko publication;
16. Klein, J.T. & Newell, W.H. (1997). *Advancing interdisciplinary studies*. In J.G. Gaff, J.L. Ratcliff & Associates (Eds.), *Handbook of the undergraduate curriculum: A comprehensive guide to purposes, structures, practices, and change* (pp. 393-415). San Francisco: Jossey-Bass. <https://doi.org/10.1021/ed074p493>
17. Klien, J.T, (1992), *Interdisciplinarity: History, theory and Practice*. Dtroit: Wayne State University;
18. National Academy of Sciences, National Academy of Engineering, and Institute of Medicine of the National Academies, (2005), *Facilitating interdisciplinary research*. Washington, DC: The National Academies Press;
19. Neuwirth, Angelika (2016), *Qur'ānic Studies and Philology: Qur'ānic Textual Politics of Staging, Penetrating, and Finally Eclipsing Biblical Tradition*. In: *Qur'ānic Studies Today*, Edited By Angelika Neuwirth & Michael Sells, Routledge;
20. Neuwirth, Angelika, (2019), *The Qur'an and Late Antiquity*. Translated by Samuel Wilder. Oxford: Oxford University Press;
21. Repko, Allen F., Szostak R, (2017), *Interdisciplinary Research: Process and Theory* (Third Edition), SAGE Publications Ltd;
22. Stewart, Devin J, (2021), *Speech Genres Interpretation of the Quran*. *Religion* 12:529
23. Talmon, S, (1977,1978), *The "comparative method" in biblical interpretation—principles and problems*, Congress Volume Göttingen.

References

1. Paktchi, Ahmad, (2016), "An inter-religious approach to the meaning of 'after the remembrance' in the Holy Qur'an," *Qur'anic and Islamic Culture Studies*, 1(1): 21-35.
2. Paktchi, Ahmad; Mohammad Hassan Shirzad and Mohammad Hossein Shirzad, (2018), "Linguistic-interreligious analysis of the concept of nazr in the Holy Qur'an", *Kitab Qayyem Scientific-Research Bi-Quarterly*, 9th year.
3. Paktchi, Ahmad (2019), *Specialized Research Method Based on the Field of Qur'an and Hadith Sciences*, [Arranged and edited by: Mustafa Foroutan Tannah and Seyyed Ali Bani Hashemi Jamarani.]
4. Darzi, Ghasem, Morteza Salmannejad (2018), "Processology of interdisciplinary studies in Qur'anic researches; Case study: the word "Shakelah" in verse Isrā': 84", *Biannual Scientific Journal of Qur'an and Hadith Sciences*, 51(1): 106-71.
5. Salman-nejad, Morteza; Ghasem Darzi (2017), "A review of interdisciplinary hadith studies; Typology and examples," *New Approaches in Shi'a Hadith-Research*, [Edited by Morteza Salmannejad and Dr. Mohammad Hadi Garami,] Imam Sadiq University Publication, 2017, pp. 15-46.
6. Tabatabai, Mohammad Ali; Mohammad Ali Mahdavi Rad (2018), "The history of the concept of Bible distortion in Christian-Islamic disputes," *History of Islam*, Summer, 19(2): 137-180
7. Fazeli, Mohammad (2003), "Discourse and critical discourse analysis", *Journal of Humanities and Social Sciences*, 4(14).
8. Faramarz Garamleki, Ahad (2006), *Methodology of Religious Studies*, Razavi University of Islamic Sciences Publications, 6th edition.
9. Keshavarzi, Vafadar; Hemmati, Mohammad Ali (2019), "A comparative historical research of "arrogant and arrogance" in Hebrew, Syriac and Arabic languages based on the Qur'an and the Testaments", *Qur'anic Studies and Islamic Culture*, 3(2): 83-103.
10. Hemmati, Mohammad Ali; Shakir, Mohammad Kazem (2021), "The genealogy of the word "nafs" in Semitic languages by examining the applications of its meanings in the Qur'an and the Testaments", *Qur'an and Hadith Sciences Research*, 18(2): 213-239.
11. Frei Berger, Oliver (2019), *Considering Comparison: A Method for Religious Studies*. Oliver Freiberger, Oxford University Press.
12. Gabriel Reynolds, Said (2010), *The Qur'an and its Biblical Subtext*, Routledge.
13. Gala Dari, Abdulla (2018), "The Camel Passing Through the Eye of the Needle: A Qur'anic Interpretation of the Gospels", *Ancient Near Eastern Studies*, 55: 77-89.
14. Griffith, Sidney H, (2013), *The Bible in Arabic: The Scriptures of the "People of the Book" in the Language of Islam*, Princeton University Press, 2013.
15. Khorchide, Mouhanad; von Stosch, Klaus (2019), *The Other Prophet: Jesus in the Qur'an*, [translated by: Simon Pare,] Gingko publication;

16. Klein, J.T. & Newell, W.H. (1997), *Advancing Interdisciplinary Studies*, In J.G. Gaff, J.L. Ratcliff & Associates (Eds.), *Handbook of the undergraduate curriculum: A comprehensive guide to purposes, structures, practices, and change* (pp. 393-415). San Francisco: Jossey-Bass. <https://doi.org/10.1021/ed074p493>
17. Klien, J.T, (1992), *Interdisciplinarity: History, Theory and Practice*, Dtroit: Wayne State University.
18. National Academy of Sciences, National Academy of Engineering, and Institute of Medicine of the National Academies, (2005), *Facilitating interdisciplinary research*. Washington, DC: The National Academies Press.
19. Neuwirth, Angelika (2016), *Qur'ānic Studies and Philology: Qur'ānic Textual Politics of Staging, Penetrating, and Finally Eclipsing Biblical Tradition*. In: *Qur'anic Studies Today*, Edited By Angelika Neuwirth & Michael Sells, Routledge.
20. Neuwirth, Angelika, (2019), *The Qur'an and Late Antiquity*. Translated by Samuel Wilder. Oxford: Oxford University Press.
21. Repko, Allen F., Szostak R, (2017), *Interdisciplinary Research: Process and Theory* (Third Edition), SAGE Publications Ltd.
22. Stewart, Devin J, (2021), *Speech Genres Interpretation of the Qur'an*, Religion 12: 529.
23. Talmon, S, (1977,1978), *The "Comparative Method" in Biblical Interpretation—Principles and Problems*, Congress Volume Göttingen.